



بررسی تطبیقی سه نظریه حکومت اسلامی

این روزها مصادف است با سومین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی^{ره}، از این رو مناسب است در حد توان قلم و اقتضای فرصت بخشی از مسئولیت بزرگ خود را نسبت به انقلاب و مؤسس راحل و عظیم‌الشان آن ادا کنیم.

بر کسی پوشیده نیست که جوهر اصلی مبارزات مذهبی و مردمی در صد سال اخیر در ایران، تنفر از حکومت‌های استبدادی و تشکیل حکومت‌های مردمی موافق با احکام اسلام است.

در انقلاب مشروطیت که رهبری اصلی آن با مراجع و علمای تهران و نجف بود، خواسته اصلی ملت مسلمان و رهبران مذهبی و مردمی، چیزی جز تأسیس عدالتخانه و توجه به خواسته‌های اقشار مردم و عمل به احکام اسلام نبود و اینها همان عناصر اصلی حکومت اسلامی است. گرچه شعار تشکیل حکومت اسلامی در مبارزات مشروطه به چشم نمی‌خورد؛ لیکن عناصر اصلی آن کاملاً مورد توجه رهبران و مردم مبارز بوده است. از این رو مشاهده می‌شود یکی از رهبران انقلاب مشروطیت مرحوم آیت‌الله‌العظمی نائینی برای تبیین اهداف نهضت و دفع شبهات و وسوسه‌های مخالفین نهضت، کتاب معروف تنبیه‌الامة و تنزیه‌المله را می‌نویسد و امروز تنها نوشته مستدل و علمی که بتواند اهداف انقلاب مشروطیت، را از زبان مؤسسين آن بیان کند همین کتاب است، گرچه کتاب یادشده به خاطر نثر قدیمی و فرهنگ از یادرفته قرن اخیر برای بسیاری کمتر قابل استفاده می‌باشد و به همین دلیل و به دلایل سیاسی در گذشته جزو فراموش‌گشتگان تاریخ مبارزات شده بود تا آنکه به همت والای شخصیت آگاه و انقلابی مرحوم آیت‌الله‌طالقانی^{ره}، این کتاب با توضیحات و پاورقی‌های بسیار ارزنده ایشان از فراموشی درآمد و در دسترس مبارزین معاصر قرار گرفت.

انگیزه تدوین کتاب تنبیه‌الامة و تنزیه‌المله همان‌گونه که از نامش

تداعی می‌شود در چند محور اساسی خلاصه می‌شود:

یک: تلاش جهت اثبات مشروعیت مبارزه برای دفع استبداد سیاسی سلاطین قاجار و نیز محکوم کردن استبداد دینی که حامی وضع موجود سلاطین قاجار بود.

دو: دفع شبهات و القائات طرفداران استبداد و دفاع از ساحت مقدس مذهب و علما و مراجع.

سه: تبیین مشروح اهداف مشروطیت و ارکان حکومت مورد نظر علما و مردم.

در این فرصت نمی‌خواهیم پیرامون انقلاب مشروطیت و عوامل پیروزی آن و نیز بررسی عوامل و دلایل انحراف آن از مسیر اصلی و شکست و تبدیل آن به استبدادی دیگر در شکلی جدید بحث کنیم که اینها هر یک باید در جای خود مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در این فرصت می‌خواهیم روند مبارزات اسلامی یک قرن اخیر را که به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی^{ره} انجامید و شاخصهای مثبت و پیشرفته‌ای که در انقلاب اسلامی و رهبری آن وجود داشت و انقلاب مشروطیت و سایر نهضت‌های بعدی فاقد آن بودند و نیز آثار نوشته شده در مورد حکومت اسلامی را خیلی کوتاه و فشرده بررسی کنیم.

ولی نباید از این نکته مهم غفلت کرد که انقلاب مشروطیت چون

آیت‌الله‌العظمی نائینی: تنبیه‌الامة و تنزیه‌المله

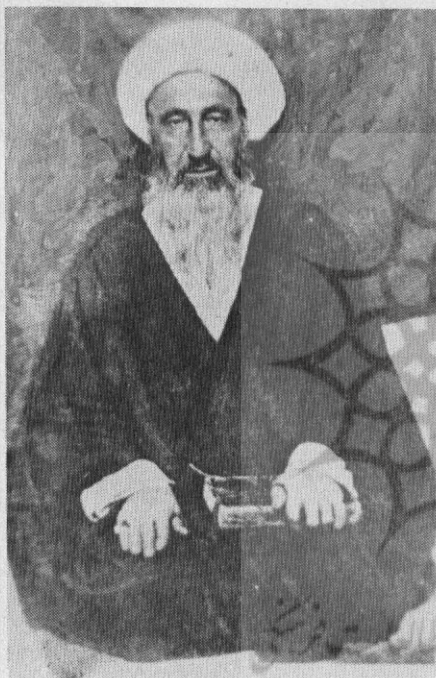
امام خمینی: حکومت اسلامی

آیت‌الله‌العظمی منتظری: ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة

غلامحسین نادى نجف‌آبادی

کرده بودند چه شرایطی برای چهره‌های مبارز و آزادیخواه - روحانی یا غیرروحانی - به وجود آوردند تا آنجاکه به فرموده رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی^{ره} در کتاب حکومت اسلامی، «چنان جوی استعمار درست کرده بود که در حوزه‌های علمیه، پوشیدن لباس نظامی برای یک روحانی قبیح و زشت و در حد یک گناه بحساب می‌آمد.»

در رابطه با علل و ریشه‌های این تفکر که در بین مردم مسلمان و حوزه‌های علمیه شکل گرفته بود حضرت آیت‌الله العظمی منتظری در مقدمه موسوعه بزرگ ولایة الفقیه و فقه‌الدولة الاسلامیه سه عامل را برمی‌شمارند:



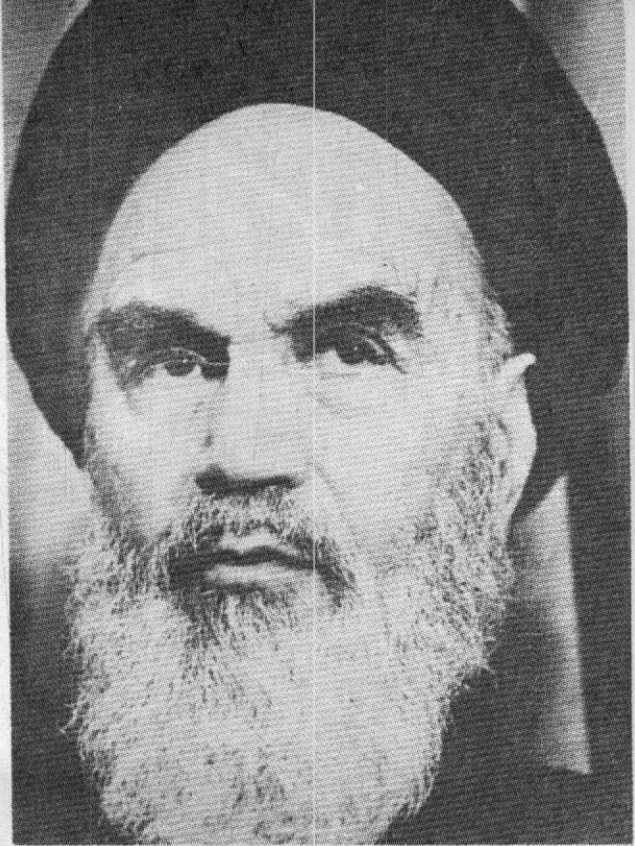
۱. روشی که حکومت‌های مستبد و فاسد در طول سالیان متمادی در پیش گرفته بودند و ظلم و فساد و عیاشی، اسراف، به بندکشدن افراد حقوق، تزویر و مکرو شیطنت، تحریف حقایق و قلب فضايل و صدها مفساد و جنایت دیگر را به نام حکومت و سیاست جلوه می‌دادند، موجب شد تا اصولاً سیاست و حکومت مشوه و بدنام گردد و افراد صالح از آن پرهیز نمایند.

۲. روشی که روحانیون طالب دنیا و وابسته به دربارها و دستگاه‌های ظلمه در طول تاریخ و حاکم‌ها و کتمان و قلب حقایق و تحریف آنها و پرده‌پوشی روی جنایات و مظالم آنها داشتند، دومین عامل بدبینی مردم و علماء صالح حوزه‌ها به جریان‌های سیاسی و دخالت در امر حکومت می‌باشد.

۳. و بالأخره سومین عامل گوشه‌گیری و انزوای علمای صالح و توده مردم مسلمان از دخالت در سیاست و حکومت، تبلیغات و القائات عوامل و ایادی استعمار است که طی قرن‌ها چنین وانمود کردند که دین از سیاست جداست و مسائل دینی را با آنکه شامل تمام شئون زندگی انسان است منحصر نمودند در بعضی عبادات و

در نوع خود اولین انقلاب پیروزی بود که پشتوانه فکری آن تا حدودی مذهب و رهبری آن علما و مراجع، و نیز جوهر اصلی آن تشکیل حکومت مردمی و اسلامی بود، تحمل آن برای استعمارگران وقت و عوامل ناشناخته داخلی آنها بسیار سنگین و سخت بود. در حقیقت پیروزی انقلاب مشروطیت اولین تجربه موفق قیام و نهضت اسلامی در دوران غیبت امام‌زمان‌عج، بود که برخلاف تبلیغات و القائات و بافته‌های استعمارگران قدیم و جدید که دیانت و روحانیت را از سیاست جدا کرده بودند توانست تا اندازه زیادی چهره نورانی اسلام را تبیین و علما و مراجع مبارز و زمان‌شناس را وارد صحنه سیاست و تنظیم امور و اداره کشور کند. از این رو برای انحراف انقلاب از مسیر خود از راه‌های مختلفی وارد کار شدند. یکی از راه‌هایی که معمولاً در هر انقلابی از آن استفاده می‌شود ترور شخصیت و حذف فیزیکی و یا منزوی کردن فرزندان اصلی انقلاب و دادن مقدرات و سرنوشت انقلاب به دست ناهلان و فرصت‌طلبان است. ضربه‌هایی که انقلابها می‌خورند و منحرف و تبدیل به ضد خود می‌شوند معمولاً از همین رهگذر است که چهره‌ها و افراد و یا جناح‌هایی که در دوران مبارزات و تحمل شدائد و زندان و تبعید و اعدام، در گوشه‌ای عافیت‌طلبانه، زندگی مرفه داشتند و برای انقلاب و نهضت حتی یک روز هم طعم تلخی و ناراحتی را احساس نکردند، به محض پیروزی انقلاب، به درون آن نفوذ می‌کنند و بتدریج آن را بدون محتوا می‌سازند و هماهنگ با قدرتهای پشت پرده، ارزشها را تبدیل به ضد ارزش می‌کنند. به هر حال در آن هنگام کار به جایی می‌رسد که مرحوم طباطبائی در تهران و مرحوم آخوند خراسانی در نجف به شکل مرموزی ترور می‌شوند و مرحوم نائینی مجبور می‌شود کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله را که مبین اهداف مشروطیت بود جمع‌آوری و یکجا به رودخانه دجله بریزد و ملت مسلمان هم دچار سرخوردگی و حالت انفعال و بی‌تفاوتی گردد.

قدرتهای استعماری آن روزگار بخوبی واقف بودند که اگر حاکمیت واقعی مردم و اسلام توسط روحانیت و مراجع مبارز و انقلابی عملی گردد تمام نقشه‌های آنان در طول قرن‌ها با شکست مواجه خواهد شد، از این رو با انقلاب مشروطیت کاری کردند که تا دهها سال بعد از انحراف از مسیر اصلی آن، جریان نهضت و حکومت اسلامی و مبارزه با حکومت‌های استبدادی، به صورت ضدارزش باقی بماند و بخصوص در حوزه‌های علمیه طرح مسائل سیاسی روز در حد یک گناه و کار قبیح که از شئون دیانت و روحانیت به دور است به حساب آید، چنانکه اگر یک روحانی یا مرجعی از گوشه‌ای زمزمه مبارزه با استبداد و دیکتاتورها را سر می‌داد، برای همیشه مطرود حوزه‌های علمیه می‌شد. شما تاریخ مبارزات و مجاهدات مرحوم آیت‌الله مدرس و آیت‌الله کاشانی و چهره‌هایی نظیر آنان را ملاحظه کنید، با اینکه جوهر مبارزات آنان و تمام علمای مبارز و روحانیون مجاهد پس از شکست انقلاب مشروطیت چیزی جز مبارزه با استبداد و استعمار و تلاش برای حاکمیت مردم و اسلام نبود - یعنی همان عناصر اصلی حکومت اسلامی که هدف انقلاب مشروطیت بود - ولی ببینید در اثر جو مسموم و فاسدی که عوامل استبداد در جریان نهضت مشروطه ایجاد



آداب شخصی و اخلاقی...»

بازتاب فکری تلاش استعمار

پس از شکست و انحراف انقلاب مشروطیت و انفعال مردم صالح و علمای حوزه‌های علمیه و انزوا، و فاصله گرفتن آنان از مسائل سیاسی و حکومتی تا آنجا که مرحوم نائینی کتاب ارزشمند خود را جمع‌آوری و محو نمود، بتدریج طرح و بحث مسائل حکومتی در فقه اسلامی و حوزه‌های علمیه بیشتر رو به فراموشی و بی‌ارزشی رفت. در این رابطه امام خمینی^{ره} در کتاب حکومت اسلامی می‌فرماید: «... اینها نقشه‌هایی است که دامنه‌اش حتی به حوزه‌های دینی و علمی رسیده است بطوریکه اگر کسی بخواهد راجع به حکومت اسلام و وضع حکومت در اسلام صحبتی بکند باید با تقیه صحبت کند و با مخالفت استعمارزدگان روبرو شود... اینها موج همان تبلیغاتی است که به اینجا رسیده و ما را به اینجا رسانیده است که حالا محتاجیم زحمت بکشیم تا اثبات کنیم که اسلام هم قواعد حکومتی دارد... این است، وضع ما. خارجی‌ها بواسطه تبلیغاتی که کرده‌اند و مبلغینی که داشته‌اند این اساس را درست کرده‌اند.»

با اندک ملاحظه‌ای در ابواب و فصول مباحث و کتب فقهی متداول حوزه‌ها، و وضعیت اسفناکی که امام^{ره} ابراز کردند بخوبی معلوم می‌شود در اکثر این کتابها با آنکه دهها صفحه و صدها فرع راجع به فروع گوناگون فقهی اعم از عبادات، معاملات و غیره بحث شده است ولی موضوع حکومت در اسلام در زمان غیبت و پایه‌های علمی و فقهی آن و چگونگی شکل آن و صفات حاکم و وظایف او و دهها مسأله مربوط به آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است و گویا علما و فقهای شیعه به طور کلی از اینکه روزگاری فقه شیعه به حاکمیت برسد و جوانب مختلف حاکمیت اسلامی از نظر فقه شیعه - که همان فقه اصیل اسلام و اهل بیت^ع می‌باشد - مورد اجتهاد و بررسی قرار گیرد، مأیوس بوده‌اند.

البته از دو نکته نباید غفلت شود:

یک: اینکه بسیاری از احکام - حدود و دیات و نیز مسائل مالی

اسلام نظیر خمس و زکات و کفارات و جرائم مالی در ابواب فقهی مشروحاً ذکر شده ولی نه از دیدگاه حکومتی و فقه سیاسی و حاکمیت عملی اسلام در جهت اجرای احکام و اداره کشور، بلکه اکثراً از دیدگاه انجام وظایف شخصی و عبادی و نیز از دیدگاه انحصار اجرائیات احکام به زمان حضور و ظهور امام معصوم^ع و بررسی وظایف او. در این دیدگاه تنها چیزی که از وظایف مجتهدین و فقهای عادل در زمان غیبت به حساب آمده، امور حسیه^۱ می‌باشد، آن هم با تفسیر خاصی از آن و انحصار آن در تعیین تکلیف اموال اطفال یتیم و صغیر و اشخاص غایب و مجنون. در این رابطه حضرت آیت‌الله العظمی منتظری در مباحث مقدمه موسوعه حکومت اسلامی می‌فرماید:

«چگونه فقهاء عادل نسبت به حفظ اموال اطفال یتیم و صغیر و اشخاص غائب و مجنون وظیفه دارند ولی نسبت به ثروتهای عمومی و اموال مسلمانان و کشورهای اسلامی و سرنوشت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی آنان در برابر عوامل استعمار غرب و شرق و صهیونیسم هیچگونه وظیفه‌ای ندارند؟ و آیا می‌توان باور کرد که اسلام راضی به اهمال و بی‌تفاوتی نسبت به اموال چند بچه یتیم و صغیر و یا شخص غایب و یا مجنون نمی‌باشد ولی نسبت به سرنوشت مسلمانان و اموال و ذخائر و ثروتهای اسلامی راضی به اهمال و بی‌تفاوتی می‌باشد؟!»

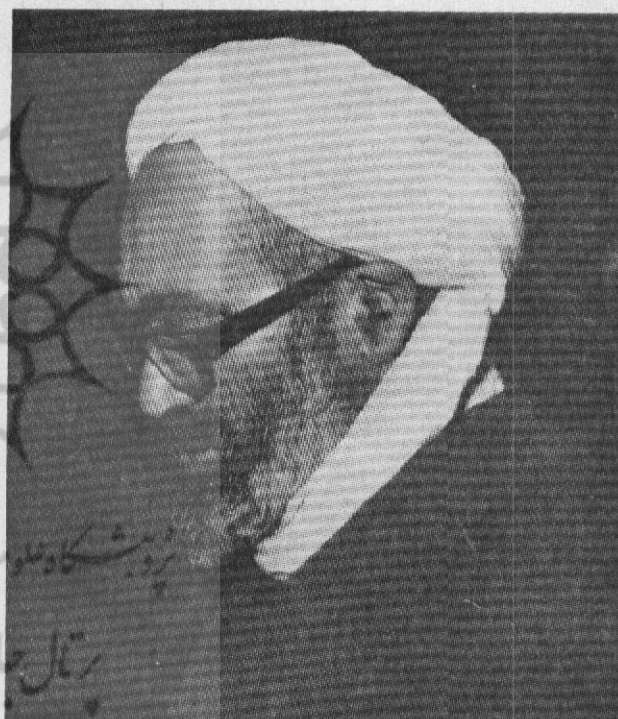
دو: مسائل ولایت فقیه و حدود اختیارات او به شکل پراکنده و یا جنبی در گوشه‌هایی از ابواب فقه مورد توجه تعدادی از فقهای قرن معاصر قرار گرفته است که در حد خود قابل تقدیر خواهد بود. از جمله:

۱. آیت‌الله شیخ جعفر کاشف الغطاء در کتاب کشف الغطاء.
۲. آیت‌الله ملا احمد نراقی در کتاب عوائد الایام.
۳. آیت‌الله میر فتح حسین میرزا در یک فصل از کتاب العناوین.
۴. امام‌المحققین صاحب جواهر در کتاب معروف جواهر الکلام، جلدهای ۲۱ و ۲۲.
۵. آیت‌الله فاضل دربندی در کتاب خزائن الأحکام.
۶. فقیه اعظم شیعه مرحوم شیخ انصاری صاحب کتاب معروف مکاسب ضمن بحث پیرامون مکاسب محرمة.
۷. آیت‌الله بحر العلوم ضمن کتاب شریف بلغة الفقیه.
۸. شهید آیت‌الله مدرس ضمن جزوه‌ای به نام اصول تشکیلات عدلیه و نیز سخنرانی استیضاحیه در مجلس شورای ملی در سال ۱۳۰۲ شمسی.
۹. مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی ضمن مباحث نماز جمعه و مسافر که در شکل تقریرات، به نام «البدر الزاهر فی صلوة الجمعة والمسافر» توسط حضرت آیت‌الله العظمی منتظری جمع‌آوری و منتشر شده است.
۱۰. آیت‌الله العظمی گلپایگانی ضمن مباحثی که یکی از فضایل حوزه در شکل تقریرات، به نام «الهدایة الی من له الولاية» تنظیم کرده است.

و فقهای دیگری همچون حضرات آیات شیخ عبدالکریم زنجانی و سید عبدالله شیرازی که در موضوع ولایت فقیه از خود نوشتار و یا گفتاری به یادگار گذاشته‌اند.

سه نوشتار بدیع از سه فقیه و مرجع زمان شناس

تا اینجا اجمالاً روند فقهی حاکم در یک قرن اخیر که قطعاً شرایط خاص سیاسی و فرهنگی و اجتماعی زمان در شکل‌گیری آن بدون تأثیر نبوده به دست آمد و روشن شد که عمق تلاش و تبلیغات و القانات استعمارگران در منزوی کردن فقهای زمان شناس و به حاکمیت رسیدن فقه اصیل اسلام تا آنجا پیش رفته بود که آن تعداد از فقهای آگاه هم که مطالبی در مورد ولایت فقیه و حاکمیت اسلام نوشته‌اند به طور ضمنی و پراکنده بوده است. ولی به شهادت تاریخ معاصر



می‌توان از سه فقیه و مرجع زمان شناس نام برد که هر کدام در شرایط خاص زمان خود مسأله حکومت اسلامی و عناصر اصلی آنرا به شکلی بدیع و جدید و عینی و عملی از خود به جا گذاشته‌اند:

۱. مرحوم آیت‌الله العظمی نائینی. ایشان همان‌گونه که در تاریخ ثبت شده یکی از یاران نزدیک و همفکران رهبر انقلاب مشروطیت مرحوم آخوند خراسانی بوده و در مراحل گوناگون، حمایت‌های علمی و سیاسی و مبارزاتی از رهبری نهضت مشروطه را وظیفه خود می‌دانسته. یکی از کارها و حمایت‌های مثبت ایشان تألیف کتاب شریف تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله به منظور تبیین اهداف نهضت و دفاع از مشروعیت مشروطه می‌باشد. کتاب یادشده در نوع خود با توجه به فرهنگ حاکم در حوزه‌های آن زمان بی‌نظیر است.

۲. رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی. ایشان پس از نوشتن مطالبی در باره ولایت فقیه. جامع‌الشرایط در ضمن مباحث

کتاب‌البیع، هنگام تبعید به نجف اشرف در ۱۲ جلسه درس، مسائل مهمی پیرامون ولایت فقیه و شئون حکومت اسلامی تدریس کردند که پس از تنظیم آنها کتابی به نام حکومت اسلامی منتشر شد.

۳. حضرت آیت‌الله العظمی منتظری. ایشان ضمن پانصد و پنجاه و پنج جلسه درس، طی چهار سال متوالی، ابعاد مختلف حکومت اسلامی را در شکل ولایت‌الفاقیه و فقه‌الدولة الاسلامیه برای فضلالی حوزه علمیه قم تدریس کردند که متن آن در چهار مجلد منتشر شد.

وجوه امتیاز و مشترک سه اثر ذکرشده

در بررسی این سه کتاب به وجوهی مشترک بین هر سه و وجوهی مخصوص به هر کدام دست می‌یابیم؛ اما وجوه مشترک:

۱. اینکه به وجود آورنده هر سه اثر، مرجعی آگاه و فقیهی متبحر و مسلط بر ابعاد مختلف فقه شیعه می‌باشند و از موضوع قضاوت و مرجعیت، سه اثر ارزشمند از خود به یادگار گذاشته‌اند.

۲. اینکه هر سه مرجع پس از اینکه سالها در متن حوادث واقعه و مسائل فقهی و سیاسی مورد ابتلای شیعه بودند و در این راه مبارزه‌ها و فداکاریهایی کردند، از روی آگاهی و درک عینی حوادث واقعه و مسائل روز و نه ذهنی مجرد، اقدام به نوشتن و ارائه مباحث کتابهای فوق‌الذکر کردند.

۳. اینکه سه اثر فوق‌الذکر به دلیل نیاز مبرم و خلأیی که در مقطع خاص زمانی هر کدام وجود داشت، منشأ آثار و برکاتی قرار گرفت و توانست جریان فکری و عقیدتی نوپایی را در راستای احیای تراث غنی اسلام و معرفی ابعاد مختلف و جهانی مکتب حیات‌بخش اسلام پایه‌گذاری کند.

اما وجوه امتیاز هر کدام به این شرح است:

یک: مرحوم نائینی در کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله برای اولین مرتبه لزوم تغییر نظام حکومت مطلقه را به حکومتی که موافق با قوانین شرع اقدس باشد مطرح کردند. توجه به شرایطی که مرحوم نائینی، کتاب یادشده را تدوین کرد اهمیت این اقدام و شهامت و آگاهی او را بخوبی نشان می‌دهد. در آن شرایط اصولاً طرح مسائل مبارزه با رژیم استبدادی قاجار و تشکیل حکومت مردمی و اسلامی به نظر بعضی از روحانیون آن زمان امری قبیح و احیاناً نامشروع بوده است، به همین دلیل، آن مرحوم در کتاب خود یکی از محورهای بحث را اثبات مشروعیت مبارزه با رژیم قاجار و تشکیل حکومت دلخواه مردم قرار داده است.

مطالب کتاب تنبیه‌الامه را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:
الف: در فصل اول کتاب، اصل محدودیت حکومت در همه شرایع و ادیان و مراتب و قیود این محدودیت و اینکه طاغوت‌های زمان، با برداشتن این محدودیت، حکومتها را به انحراف و استبداد کشیده‌اند مورد بحث قرار گرفته است.

ب: در فصل دوم، لزوم تحدید سلطه حاکم در عصر غیبت (و در حقیقت نفی ولایت مطلقه) و در فصل سوم، بیان مشروعیت و در فصل چهارم، طرح شبهات، حول مشروعیت و جواب آنها و در فصل پنجم، شرایط نمایندگان مجلس و وظیفه عملی آنها مورد بحث



قرار گرفته است و مؤلف در خاتمه کتاب، تصویری رسا و جالب از قوای استبداد و راه مقابله با آنها را ارائه می‌دهد.

دو: حکومت اسلامی امام^{ره}: کتاب امام خمینی در حقیقت از یک مقدمه و دو بخش تشکیل شده است. ایشان در مقدمه کتاب، سعی کرده‌اند خطر استعمار و تلاش چندصدساله آن را در راه تحریف اسلام و مصائبی که از این رهگذر بر اسلام و مسلمانان وارد شده، و نیز منزوی نمودن فقها و علمای آگاه و زمان شناس از صحنه سیاسی را با بیانی بسیار جالب و حماسی مجسم سازند و تأکید کنند که تنها راه مبارزه جدی با این خطر و نجات اسلام و مسلمانان از وضعیت اسفبار کنونی، تشکیل حکومت اسلامی عادلانه است.

در بخش اول کتاب، امام خمینی برای اثبات این که در اسلام، حکومت وجود دارد اشاره‌ای اجمالی به احکام مالی - نظیر خمس - دفاعی و جزائی اسلام می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که اجرای این احکام بدون تشکیل حکومت اسلامی ممکن نیست، و در بخش دوم به ذکر آیات و روایات مربوط به ولایت فقیه پرداخته‌اند و در مجموع از این راه لزوم تشکیل حکومت اسلامی توسط فقیه جامع‌الشرایط را نتیجه‌گیری می‌کنند. ایشان در طول مباحث کتاب هر کجا مناسبتی داشته اشاراتی به مصائب روز جهان اسلام و حکومت جبار شاه، همراه با گلایه و شکوه دردمندانه از سکوت و سکون حاکم بر حوزه‌های علمیه و مشی محافظه‌کارانه تعدادی از علمای بزرگ آن روز ارائه می‌دهند.

در یک مقایسه اجمالی بین فرهنگ حاکم در زمان مرحوم نائینی و زمان حضرت امام خمینی^{ره} چنین به دست می‌آید که در دوران مرحوم نائینی، فرهنگ حاکم و شیوه معمول اکثر روحانیون حوزه‌ها سکوت در مقابل استبداد و حکومت مطلقه سلاطین قاجار و احیاناً حمایت از آن بوده است و آن فقیه مجاهد درصدد برخورد با این فرهنگ و نیز رد قاطع استبداد و اثبات مشروعیت حکومت مشروطه بوده است ولی در زمان حضرت امام، فرهنگ سیاسی حوزه‌های علمی و دینی تا حد زیادی رشد کیفی کرده بود، به شکلی که قبول حاکمیت رژیم شاه و حمایت از آن توسط روحانیون بزرگ شیوه معمول حوزه‌ها و روحانیت نبوده و جز تعدادی اندک این شیوه و فرهنگ را قبول نداشتند، منتهی الامر، فرهنگ مبارزه و برخورد سیاسی و یا نظامی با حاکمیت شاهنشاهی و تشکیل حکومت اسلامی نیز مطرح نبود و تا حدود زیادی مورد غفلت و یا انکار و نفی عملی مجامع روحانی روز بوده و امام^{ره} در کتاب حکومت اسلامی درصدد اثبات مشروعیت آن و بیان اینکه حکومت اسلامی هدف انبیا و اولیا بوده و باید شناسایی و تحقق یابد، بوده‌اند و به همین دلیل از سه عنصر اصلی حکومت اسلامی، همان عنصر اول یعنی اصل مسئله وجود حکومت در اسلام مورد توجه خاص ایشان قرار گرفته و از عنصر دوم یعنی شرایط حاکم، تنها به دو شرط آن که علم به اسلام و احکام آن و عدالت است بحث نموده‌اند و از مجامع روحانی و علمای زمان شناس اسلام خواستار پیگیری مسائل مهم حکومت اسلامی و اجتهاد و تبیین آنها برای امت اسلام شده‌اند.^۱

سه: موسوعه بزرگ فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری به نام ولایة‌الفقیه و فقه‌الدولة الاسلامیه. ایشان به منظور انجام وظیفه

شرعی و انقلابی و در راستای تعقیب خط مشی و پاسخ مثبت به استمداد استاد بزرگوار خود حضرت امام خمینی^{ره} و برطرف کردن ابهاماتی که نسبت به هر سه عنصر مهم حکومت اسلامی در کتابها و مباحث بزرگان و فقهای پیشین مخصوصاً در نوشته ارزشمند مرحوم نائینی و امام خمینی وجود داشت، با طرح مسائل جدید و ریشه‌یابی فقهی و علمی مسائل قدیم، اقدام به پایه‌گذاری و تدوین موسوعه بزرگ یادشده کردند و همان گونه که مرحوم نائینی، کار بزرگ استاد بزرگوارش مرحوم آخوند خراسانی - رهبر نهضت مشروطه - را با تدوین کتاب تبییه‌الامه تکمیل و تبیین کرد، آیت‌الله منتظری نیز که از پیش‌کسوتان جهاد و اجتهاد و از اولین همفکران و یاران علمی و سیاسی رهبر کبیر انقلاب هستند، کار اساسی استاد بزرگوار خود را با تألیف موسوعه بزرگ خود تکمیل کردند.

ایشان در این موسوعه هر سه عنصر اصلی حکومت اسلامی یعنی اصل مسئله حکومت در اسلام و شکل آن و شرایط هشنگانه حاکم و وظایف آن نسبت به مردم و متقابلاً وظایف مردم نسبت به حاکم و نیز شرایط مسئولین مختلف در حکومت اسلامی و نقش قوای سه‌گانه: مقننه، قضائیه و مجریه، و شرایط متصدیان هر کدام، و نقش بیعت مردم در تحقق حاکمیت اسلامی و تعهدات متقابل حاکمیت در برابر بیعت مردم، و وظیفه مردم هنگام تخلف حاکمیت از تعهدات فی‌مابین مردم و حکومت، و لزوم انتقاد سازنده بر اساس امر به معروف و نهی از منکر نسبت به هر خلاف و تخلفی که در محدوده حکومت اسلامی انجام می‌شود، و تبیین مسائل مالی اسلام به شکل جدید، و مشروعیت مالیاتهای جدید در اسلام علاوه بر مالیاتهای معروف و تعیین حدود اختیارات حاکم اسلامی در چهارچوب عمل به اسلام و اجرای احکام آن، و نیز عمل به شرایط بیعت، و وظایف حکومت اسلامی نسبت به اقلیت‌های مذهبی، و چگونگی گرفتن مالیات از آنها و دهها مسئله داخلی و خارجی دیگر را بر اساس فقه مقارن و با شیوه‌ای جدید و موافق با نیازهای گوناگون انقلاب اسلامی مورد بررسی و اجتهاد قرار داده‌اند.

اهمیت کتاب حکومت اسلامی امام^{ره} بیشتر در این است که برای اولین مرتبه شعار تشکیل حکومت اسلامی از زبان و قلم یک مرجع مبارز و زمان شناس به عنوان شعار مبارزاتی مطرح می‌شود و اهمیت کتاب آیت‌الله العظمی منتظری در تبیین و ریشه‌یابی علمی و فقهی ابعاد گوناگون حکومت اسلامی با استناد به آیات و روایات و نقل و نقد آرا و فتاوی فقها و علمای شیعه و سنی و بیان آنچه ناگفته یا مبهم مانده بود می‌باشد.

یادداشتها:

۱. حکومت اسلامی، ص ۱۵.
۲. جلد اول موسوعه ولایة‌الفقیه و فقه‌الدولة الاسلامیه ص ۱۴.
۳. حکومت اسلامی، ص ۱۶.
۴. امور حسبه یعنی اموری که شارع مقدس راضی به ترک و اهمال آنها نیست و باید برای رضای خدای تعالی انجام شود.
۵. جلد اول ولایة‌الفقیه و فقه‌الدوله، ص ۱۳.
۶. مقدمه حکومت اسلامی.